

**آمده این
فصل باز،
فصل شکوفه،
گلشن**

**این همه تکلیف و درس،
زخم نهاده بر تن!**



ویژه نامه نوروز

۳	سرمقاله
۴	نوروز باستانی
۶	میراث جهانی مشترک
۹	که سال نو دم در است...
۱۰	دوشواری؟ دوشواری نداریم!
۱۱	این بوی بهار است!
۱۲	دقایقی برای عبرت گرفتن!
۱۴	آنچه خوبان همه دارند، ما نداریم!
۱۶	۱۴۰۱ چگونه گذشت؟



سرمقاله

سارا مسلمی
۱۴۰۱ مکانیک

کلیدهای جادویی

وقتی نزدیک نوروز وارد دانشگاه می‌شوی، همه چیز فرق می‌کند. از چهره‌های بشاش دانشجویان که برق امید تعطیلی‌های پیش رو، در چشم‌هایشان نمایان است گرفته تا سفره‌های رنگین هفت‌سین و پذیرایی داخل دانشکده‌ها؛ همه چیز برای نوشتن فصلی جدید از دفتر زندگی مهیاست. حال، من از نسیم بهاری که در گوشمان از حال و هوای عید می‌خواند، بنویسم یا بارانی که می‌تواند به بوی خاک، عطری نوستالژیک از جنس روزهای کودکی بدهد؟ روزهایی که شعر «باز باران با ترانه» را زیر لب می‌خواندیم و می‌چرخیدیم. آرزو می‌کردیم که ای کاش این حس را تا ابد در صندوقچه‌ای به یادگار می‌گذاشتیم؛ اما دست‌هایمان کوچک‌تر از آن بودند که آن احساسات کودکانه ولی سنگین را دوباره از صندوقچه در بیاورند و برای خودمان روی دور تکرار بگذارند.

اما باران بهاری و بوی خاک، کلیدهای جادویی ما برای بازکردن در صندوقچه بودند و هنوز که هنوز است، این کلیدهای جادویی از تنها چیزهایی هستند که می‌توانند پنجرهٔ روشنایی معصومانه‌مان را باز کنند و تمام آلودگی‌های ذهنی ما را بشویند. فقط کافی است یک روز صبح زود در محوطهٔ سبز شریف قدم بزنی، گوشه‌ات را خاموش کنی و هم‌زمان با دیدن رقص شاخه‌های درختان هنگام باران، به صدای کلاغ‌هایی که هیچ‌کس دوست ندارد آواز پرشورشان را بشنود، گوش بدهی تا بدانی کلاغ‌ها از تنها پرندگانی هستند که سختی سرما را مثل ما با پوست و گوشت لمس کرده‌اند؛ حال، شادی‌شان برای فرارسیدن بهار چقدر گویا و باورپذیر است. مگر می‌شود با قدم‌زدن وسط جشن و پایکوبی طبیعت برای بهار، گیاهی سبز و سالم از اعماق وجودت رشد نکند؟ گیاه سبزی که میان نگرانی‌های امتحانات پیش رو، آیندهٔ مبهم شغلی و وضعیت اقتصادی کشورمان می‌روید و همهٔ ما را با سال جدید، دوباره زنده می‌کند و به جنگ روزگار می‌فرستد. این هم معجزه‌ای دیگر از بهار است. بیابید امسال از این گیاه کوچک مراقبت کنیم و بهار را با روحی سبز آغاز کنیم.





برگزار شد. در دوره سلجوقیان با پایه‌گذاری تقویم جلالی، جایگاه نوروز در ایام سال تثبیت شد. تا همین امروز همواره حکومت‌های ایرانی به برگزاری جشن‌های نوروزی اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و کوشیده‌اند تا شکوه آن، جلوه‌گر شکوه حکومتشان باشد.

رسمی که امروزه مردم در عید نوروز بر آن اهتمام دارند، عموماً ریشه در آیین‌ها و عقاید کهن ایرانیان دارند. البته این رسوم در گذشت زمان دستخوش تغییرات بسیاری شده‌اند؛ مثلاً انداختن سفره هفت‌سین در بین ایرانیان باستان مطرح نبوده، چرا که دلیلی برای اهتمام آن‌ها به قراردادن هفت‌سین یا هفت‌سین روی سفره وجود نداشته است.



اما سفره هفت‌سین، ریشه‌های متعددی در آیین‌های کهن دارد. به‌روایتی، مردم پیش از عید، هفت صنف از غلات را می‌کاشتند و با فرارسیدن نوروز از کیفیت رویش هر دانه، زراعت سال جدید خود را پیش‌بینی می‌کردند. ممکن است «هفت‌سین» برگرفته از این «هفت صنف» باشد و تغییر ظاهری این کلمه باعث تغییر در این رسم شده باشد. از طرفی یکی از آیین‌های ایرانیان در این ایام، برپایی سفره نوروزی بوده است. آن‌ها معتقد بودند که مردگان در این ایام به زمین بازمی‌گردند و برای پذیرایی از آن‌ها سفره‌هایی پر از میوه و خوراکی‌های مختلف پهن می‌کردند.

تاریخچه نوروز در ایران

نوروز را می‌توان قدیمی‌ترین آیین ایرانیان دانست. ابوریحان بیرونی در کتاب خود درباره نوروز می‌نویسد: «نخستین روز است از فروردین ماه؛ و زین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آن است که اول روزی است از زمانه و بدو فلک آغازید گشتن». **گرچه در اساطیر کهن فارسی پدیدارشدن نوروز را به روزگار جمشید نسبت داده‌اند اما اولین نشانه‌های حقیقی نوروز را در دوران اشکانیان و ساسانیان باید جست.** در دوره ساسانیان، ایرانیان پنج روز اول فروردین را نوروز کوچک و روز ششم را نوروز بزرگ یا «خردادماه» می‌خواندند و هر شش روز را جشن می‌گرفتند. مردم در پنج روز اول به درگاه شاه می‌آمدند و مسائل خود را با پادشاه در میان می‌گذاشتند. پادشاه طبقات مردم را در این پنج روز به نوبت ملاقات می‌کرد، حق آنان را ادا می‌کرد و چون خردادماه فرامی‌رسید، با خواص خود جشن می‌گرفت.

در مورد خردادماه گفته‌اند که خداوند در اولین روز فروردین، آفرینش جهان را آغاز نمود و در خردادماه این مهم را به اتمام رسانید. بعضی هم خردادماه را روز «کین سیاوش» می‌دانند. سیاوش در نخستین روز فروردین کشته شد و در خردادماه با تولد و آغاز پادشاهی فرزندش کیخسرو، رستاخیز پیدا کرد. با مرگ سیاوش، خزان و با رستاخیز او بهار پدیدار می‌شود.

با ظهور اسلام و حاکم‌شدن اعراب مسلمان بر ایران، خلفای اسلامی ابتدا سعی در متوقف کردن جشن‌های نوروزی داشتند؛ اما به‌تدریج خود در این جشن‌ها حضور یافته و آن را گرامی داشتند. با روی کارآمدن سلسله‌های طاهریان، سامانیان و آل بویه، جشن نوروز به‌طور گسترده‌تر و باشکوه‌تر

برپایی آتش در آخرین روزهای زمستان نیز، از رسوم کهن ایرانیان بوده است. اما نه این مراسم در چهارشنبه برگزار می‌شده و نه خبری از پریدن از روی آتش بوده است؛ چرا که ایرانیان باستان، آتش را مقدس و گرمی می‌داشتند و این کار، توهین به آتش تلقی می‌شد. مردم سعی می‌کردند با برپایی آتش، طبیعت را یاری کنند تا رخت سرما از تن برفکند و جامه بهاری بر تن کند.

رسوم دیگری نیز وجود دارند که به کلی فراموش شده‌اند؛ مثلاً در نخستین بامداد نوروز مرسوم بود که مردم روی یکدیگر آب بپاشند تا برای سال نو، پاک و پاکیزه شوند. در تفسیر طبری این رسم را به قوم «ذوالکفل» نسبت داده‌اند و ابوریحان بیرونی نیز داستانی از سلیمان نبی در پیدایش این رسم بیان کرده است. نوروزخوانی هم نوعی آوازخوانی است که زمانی سرتاسر ایران رواج داشته است؛ اما امروزه فقط در بخش‌هایی از استان مازندران برگزار می‌شود. نوروزخوانان از حدود پانزده روز مانده به عید دوره می‌گشتند، در ستایش خداوند و پادشاهان می‌خواندند و مژده آمدن نوروز را به مردم می‌دادند.

در تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین، ایرانیان همواره با هر دین و آیینی، بهار طبیعت و نوروز را جشن گرفته‌اند و در این ایام به شادی و طرب پرداخته‌اند. **گرچه جشن نوروز در هر دوره شکل و شمایل متفاوتی پیدا کرده، اما هیچ سلسله و حکومتی قادر به از بین بردن اصل آن نبوده است.** امروزه نوروز در بسیاری از کشورهایی که روزی تحت سلطه ایران بودند، به صورت رسمی برگزار می‌شود. البته این جشن پای خود را به مناطق دیگری از جهان نیز باز کرده است. در سال ۲۰۱۶ نوروز به طور رسمی در سازمان یونسکو ثبت جهانی شد.



میراث جهانی مشترک

پرنیان کیانی
۹۹ مکانیک



نگاهی به مراسم نوروز در کشورهای مختلف

نوروز، از کهن‌ترین جشن‌های دوران ایران باستان، در مناطق وسیعی از آسیا و دیگر نقاط جهان برگزار می‌شود. نوروز در ایران و افغانستان، آغاز سال نو و در برخی کشورهای دیگر صرفاً تعطیل رسمی است. ایران به همراه یازده کشور عراق، افغانستان، هند، قزاقستان، پاکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان، آذربایجان و ترکیه عنوان «روز بین‌المللی نوروز» را در پرونده مشترک جهانی توسط یونسکو به‌عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشر به ثبت جهانی رسانده است.



نوروز در پاکستان

در پاکستان، نوروز را «عالم‌افروز» می‌نامند. در این کشور، در ایام نوروز مسابقات مختلفی مثل اسب‌دوانی و کشتی برگزار می‌شود؛ بادبادک‌بازی و گذاشتن حیوانات در معرض دید عموم، پوشیدن لباس‌های نو و رنگارنگ، هدیه‌دادن تخم مرغ‌های رنگی، چیدن سفره هفت‌سین و تهیه انواع شیرینی مثل «رس ملائی»، «برفی»، «شکرپاره»، «کریم رول»، «سوهان حلو» و همچنین پختن غذاهای معروف این ایام و عیدی‌دادن و دید و بازدید اقوام از رسوم گرامی‌داشت نوروز است. در برخی از بخش‌های این کشور، زنان تفنگ به دست گرفته و شکار می‌کنند. در مراسم «بسنت» هم، مردم روی پشت بام‌ها به شادی و پایکوبی می‌پردازند.

نوروز در ترکیه

«نوروزیه» نام عید نوروز در ترکیه است. تعطیلات عید نوروز در ترکیه چندان طولانی نیست؛ در مناطق کردنشین ترکیه، یک تا دو روز تعطیل است و در مناطق دیگر، تعطیل رسمی وجود ندارد (تقویم ترکیه، تقویم میلادی است). مردم شیرینی‌های مختلف می‌پزند، به جشن و پایکوبی می‌پردازند، به محرومان کمک می‌کنند و با پریدن از روی آتش، این عید باستانی را بزرگ می‌دارند.

نوروز در افغانستان

افغان‌ها در عید نوروز، خوراکی و آجیل‌های متنوعی در سفره هفت‌سین قرار می‌دهند که به آن «دسر هفت‌میوه» می‌گویند. میوه و آجیل‌های این دسر شامل کشمش قرمز، کشمش سیاه، کشمش زرد، سنجد، پسته، زردآلوی خشک و سیب خشک است. در شب عید نوروز نیز، خوردن سبزی‌پلو با ماهی یا سبزی‌پلو با مرغ به‌عنوان شام مرسوم است.

نوروز در ترکمنستان

مردم ترکمنستان با پختن غذاهای معروف نوروزی مانند «نوروز کجه» و «نوروز بامه» و همچنین پختن سمنی (سمنو) و اجرای بازی‌های مختلف توسط جوانان ترکمن، حال و هوای دیگری به این جشن و شادی می‌دهند. در ایام نوروز مسابقات مختلفی در ترکمنستان برگزار می‌شود که از بین آن‌ها می‌توان به اسب‌دوانی، کشتی، پرش برای گرفتن دستمال از بلندی، خروس جنگی، شاخ‌زنی میش‌ها، شطرنج، مهره‌بازی و تاب‌بازی اشاره نمود. دید و بازدید در ایام نوروز نیز در میان مردم ترکمن، از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار است.

نوروز در تاجیکستان

در تاجیکستان برخی از مراسم‌ها مانند گل‌گردانی، «حوت»، بلب‌خوانی، کاشت سبزه و سمنوپزی متداول است. مراسم حوت، با جمع‌شدن مردم دور آتش و رقص و پایکوبی انجام می‌شود و شباهت زیادی به چهارشنبه‌سوری ایرانی‌ها دارد. در مراسم گل‌گردانی، مردم گل‌های بومی و محلی را می‌چینند و به یکدیگر هدیه می‌دهند؛ سپس گل‌هایی را که جمع کرده‌اند، در محل خاصی گردآوری می‌کنند یا به پایه‌های چوبی می‌بندند و در کنار گل‌ها آواز می‌خوانند (مراسم بلب‌خوانی). جشن نوروز برای مردم تاجیکستان، جشن ملی نیاکان و به نام «خیدیر ایام» یعنی جشن بزرگ معروف است.

نوروز در قزاقستان

قزاقستانی‌ها، در نوروز آشی با عنوان «آش کوژه» می‌پزند. همچنین دخترهایی که دل‌باخته پسر هستند، در نوروز غذایی با گوشت اسب درست می‌کنند و برای پسر مورد علاقه خود می‌برند. پسرها هم در عوض به آن‌ها هدیه می‌دهند. بنا به اعتقاد قزاقستانی‌ها، اگر در اولین روز عید نوروز، برف یا باران ببارد، سال پربرکتی در پیش خواهد بود. مردم قزاقستان نوروز را اعتدال بهاری می‌دانند و بر این باورند که در این روز ستاره‌های آسمانی به نقطه ابتدایی می‌رسند، همه‌جا تازه می‌شود و روی زمین، شادمانی برقرار می‌شود.



نوروز در جمهوری آذربایجان

در آذربایجان، شروع عید نوروز با چهارشنبه‌سوری است؛ مردم روی آتش تخم مرغ آب‌پز می‌کنند و در کنار آتش به جشن و رقص و پایکوبی می‌پردازند. آن‌ها به مزار درگذشتگان خود می‌روند و برای باشکوه‌تر شدن جشن نوروز، تدارک ویژه‌ای می‌بینند؛ مانند سرودن ترانه‌ها پیش از نوروز، فراهم‌سازی شادی روزهای نوروز، فراهم‌کردن ابزار و مواد مورد نیاز برای هفت‌سین، فراهم‌سازی چیستان‌های نوروزی، ستایش و نفرین‌های نوروزی، پند و اندرزهای نوروزی، باورهای نوروزی، خوی‌های نوروزی، دیدنی‌های نوروزی، آزدنی‌های نوروزی و انجام آیین و بزم نوروزی.



نوروز در کردستان

مردم کردستان عراق، با کردهای ایرانی از نظر فرهنگی و زبانی، شباهت‌های زیادی دارند. معمولاً کردهای عراق، در این روز به دامان طبیعت می‌روند. همچنین نواختن پر سر و صدای «سورنا» و «دهل» و ایراد سخنرانی‌های آتشین در کنار کپه‌های آتش از رسوم آنان است. این آیین‌ها در میدان‌های بزرگ و اصلی شهرها و روستاها برگزار می‌گردند و جمعیت انبوهی از زن و مرد، در حالی که دست هم را گرفته‌اند، به دور کپه‌های آتش به رقص و پایکوبی می‌پردازند.

نوروز در گرجستان

در گرجستان، این عید، یک عید ملی است که مردم در آن به جشن و پایکوبی می‌پردازند. جوان‌ها سوار بر اسب می‌شوند و به خیابان‌ها می‌روند. برگزاری مسابقات کشتی بین جوانان نیز مرسوم است. یکی از بازی‌های مربوط به روز اول عید، آب‌بازی است که بین ارمنستانی‌ها و آذربایجانی‌ها نیز دیده می‌شود.

نوروز در ارمنستان

بسیاری از ارمنی‌ها عید هر سال راهی منطقه‌ای به نام «گارنی» می‌شوند. در این منطقه، معبدی دوهزارساله وجود دارد که ساخت آن به سلسله پادشاهی اشکانیان نسبت داده می‌شود.

نوروز در قرقیزستان

اهالی قرقیزستان با شروع عید نوروز در میدان شهر جمع می‌شوند و با دید و بازدید، عید را به یکدیگر تبریک می‌گویند. در قرقیزستان در این روز پختن غذاهای معروف قرقیزی مثل «مانته برسک» و «کاتما» مرسوم است و این غذاها به‌صورت رایگان بین حاضران در جشن پخش می‌شوند. همچنین مسابقاتی مثل سوارکاری نیز مرسوم هستند و به‌طور چشمگیری در این روز دنبال می‌شوند و جوایز ارزنده‌ای نیز به نفرات برتر اهدا می‌شود.

نوروز در ازبکستان

در این روز، جشن و نمایش‌های زنده خیابانی، برپایی رقص و خواندن آواز، درخت‌کاری و کاشت نهال، سمنوپزی و سبزکردن سبزه مرسوم است. هر چند ازبکستانی‌ها مثل ایرانی‌ها سفره هفت‌سین ندارند، ولی به پختن سمنو و سبزکردن سبزه پایبند هستند.



که سال نو دم در است...

معراج حسن زاده
۹۹ مکانیک



1: CW
2: Release
3: Level

در این سرای بی کسی، کسی به شانه می زند
که سال نو دم در است و درب خانه می زند

دگر نمانده طاقتی بدین دو دست و مادرم
سر تمیزی گلیم هال، چانه می زند

کنون که می کشد ز بنده کار او، چو نیگری
پدر مرا بدان زبان، به تازیانه می زند

و دید و بازدید را، فقط بدانندش خدا
به مغز سالمی ز من، زیان چگونه می زند

دل خراب من دگر خراب تر نمی شود
بسی که شوهر عمه، حرف احمقانه می زند

به بچه های تخس و شر، کتک زدن چه خوش صداست
کمی ز حال خوب، بر دلم جوانه می زند

و شب شود و من رها؟ نه! تازه وقت آن شده
که آتش از دهان سی دبل^۱ زبانه می زند

ز بچگی که عید ما، به پیک و مشق سر شده
مُدَرِّسَم نمک چرا، به زخم کهنه می زند؟

پروژه^۲ ریلیس شده، چو قوز روی قوز من
چرا که سنگ، زخم را به پابرهنه می زند

سلامت ار از این لول^۳، گذر کنم، به حال من
سوال امتحان چه خنده مودیان^۴ می زند

و ترم زوج دیگری گذر کند و دست من
برای حفظ سرخی اش، خودش به گونه می زند

ردیف و خوش نباشد او، به زندگی هر آن کسی
سخن ز سال نو به لحن شاعرانه می زند

دوشواری؟ دوشواری نداریم!

علیرضا فکوریان
۹۹ مکانیک



توهمی پوچ یا فاجعه‌ای بزرگ؟

الآن فقط لازم است پول ماشین را تهیه کنیم که با چهل سال تلاش، راحت به دست می‌آید.

اصلاً بحث خودرو از بنیان اشتباه است؛ آخر دانشجوی بیست و چندساله، نیازی به وسیله نقلیه شخصی ندارد. الآن تاکسی‌های اینترنتی درجه‌ی یکی آمده‌اند تا به راحتی با آن‌ها سفرهای خود را انجام دهیم. البته نرخ این تاکسی‌ها سر به فلک کشیده است، ولی اگر یک وعده از غذایمان را کم کنیم، هم به سلامتی خود کمک کرده‌ایم و هم می‌توانیم در هفته دو بار با ماشین به دانشگاه بیاییم. تازه اگر هم نشود با تاکسی رفت و آمد کرد، متروی خلوت و سریع‌السیری وجود دارد که بسیار راحت و بی‌دردسر است. بماند که تعرفه همین مترو هم گران شده و کم‌کم باید به پیاده‌روی روی بیاوریم که هم برای تقویت عضلات پا و تنظیم ضربان قلب مفید است و هم باعث کم‌شدن هزینه‌های زندگی می‌شود.

شیرین تر از بحث رفت و آمد، بحث پوشاک است. همیشه حادثه داشتیم که نژده یک سال، لباس‌های قدیمی‌مان را کنار بگذاریم و لباس نو بخریم؛ اما چند سالی است که عجیب دلبسته لباس‌های قدیمی خود شده‌ایم. اصلاً دل‌کندن از شلواری که روزها در کنار هم بوده‌ایم؛ مشکل است. البته اینکه برای خرید یک شلوار جدید لازم است کلیه خود را بفروشیم هم بی‌تأثیر نیست. تازه اگر قبلاً آن را برای خرید خودرو نفروخته باشیم! خلاصه که بهتر است به پیراهن خود احترام بگذاریم، با تی‌شرت خود مهربان باشیم و برای لباس زیر خود ارزش قائل شویم؛ چرا که جایگزین کردن آن‌ها گاو نر می‌خواهد و مرد کهن!

سال جدید خورشیدی هم از راه رسید و نوبت ۴۰۲ شد تا تمام توانش را برای به زانو درآوردن ما به کار بگیرد؛ اما این سال نوباوه خبر ندارد که ما هرچه از مصیبت بوده است، به لطف خواهر بزرگترش، ۴۰۱، تجربه کرده‌ایم. از شوخی دلار و بازی‌کردنش با موه‌های بدنمان تا عروج قیمت‌گاری به درجه بنز. واقعاً برایم جای سؤال است که این کودک چه در چنته دارد برای ما، چه برنامه جدیدی می‌تواند برای زارزدن ما بریزد؟ به قول معروف، ما به دیوار بدبختی دست زده‌ایم و برگشته‌ایم. کاش حداقل از برنامه‌های شوم خود برایمان بگوید تا کمی آماده شویم. تا الآن آن قدر شگفتی دیده‌ایم که دارد پاره می‌شود (شگفتی‌دانمان را می‌گویم). می‌پرسید چه شگفتی‌هایی؟ الآن خدمتتان عرض می‌کنم.

فرض کنید کارت اعتباری وجود نداشت؛ آن وقت مجبور بودیم برای خرید، با خود فرغون حمل کنیم. مثلاً برای خرید یک خودروی داخلی ناقابل که اکنون قیمتش با بوگاتی و بیرون برابری می‌کند، نیاز داشتیم چندین وانت اسکناس حمل کنیم. برای خرید وانت‌ها هم باید با تریلی‌های چندین تنی، پول را جابه‌جا می‌کردیم و برای خرید آن ...، اصلاً خدا را شکر که کارت داریم و نیازی به این کارها نیست!





این بوی بهار است!

خواجوی کرمانی

این بوی بهار است که از صحن چمن خاست
یا نکه‌ت مشک است کز آهوی ختن خاست

انفاس بهشت است که آید به مشام
یا بوی اویس است که از سوی قرن خاست

این سرو کدام است که در باغ روان شد
وین مرغ چه نام است که از طرف چمن خاست

بشنو سخنی راست که امروز در آفاق
هر فتنه که هست از قد آن سیم‌بدن خاست

سودای دل سوخته لاله سیراب
در فصل بهار از دم مشکین سمن خاست

تا چین سر زلف بتان شد وطن دل
عزم سفرش از گذر حب وطن خاست

آن فتنه که چون آهوی وحشی رمد از من
گوی بی ز پی صید دل خسته من خاست

هرچند که در شهر دل تنگ فراخ است
دلتنگی‌ام از دوری آن تنگ‌دهن خاست

عهدی است که آشفته‌گی خاطر خواجو
از زلف سراسیمه آن عهدشکن خاست

برای خورد و خوراک هم فقط باید به این بیت
سعدی عمل کنیم:

اسیر شکم را دو شب نگیرد خواب شبی ز معده سنگین، شبی ز دل تنگی

اصلاً هنگامی که انسان غرق مادیات باشد، از یاد خدا غافل می‌شود. بهتر است که بنده شکم نباشیم و زیاد، گرد تعلقات دنیوی نگردیم. همچنین بهتر است به علت مضرات زیاد خوراکی‌ها و غذاهای موجود در بازار، در مصرف آن‌ها زیاده‌روی نکنیم؛ مخصوصاً غذاهایی که در آن‌ها گوشت وجود دارد. به‌طور خاص باید از این مورد دوری کنیم، چون هم باعث نفرس می‌شود و هم فقرس^۱.

البته از حق هم نگذریم خیلی‌ها در تلاشند تا شرایط را برای ما بهتر کنند. مثلاً همه سعی خود را به کار می‌برند تا قیمت خودرو کاهش نیابد؛ چرا که اگر مردم بتوانند خودرو تهیه کنند، تصادف می‌کنند و آسیب می‌بینند. به همین دلیل هم هست که در کشورمان خرید خانه تبدیل به آرزو شده است؛ چون اگر خانه بخرید، می‌توانید بدون استرس اجاره‌خانه به کارهای بزرگ‌تری نظیر تولید و احداث کارگاه و تولید شغل فکر کنید و ممکن است در این راه شکست بخورید و ناراحت شوید؛ بنابراین خانه به قیمت دیه ده انسان است. طبیعی است که ده نفر آدم نمی‌توانند به اندازه خرید یک خانه کار کنند. پس مردن شما بسیار بیشتر از زنده‌بودنتان می‌تواند به خانه‌دارشدن اطرافیان کمک کند. دیگر خودتان می‌دانید!

خلاصه که این قدر افراد با فکر و مدیر و مدبر در کشور داریم که قرار است به کشورهای دیگر هم صادر کنیم تا شاید آن‌ها هم کمی رنگ خوشی را ببینند. خلاصه، همان‌طور که از شواهد و مدارک موجود پیداست، ما در بهترین وضعیت ممکن زندگی می‌کنیم و همچنان به روزهای بهتر امیدواریم!

۱: بیماری‌ای که باعث می‌شود اسکناس‌های جیب شما به تدریج از بین بروند.

دقایقی برای عبرت گرفتن!



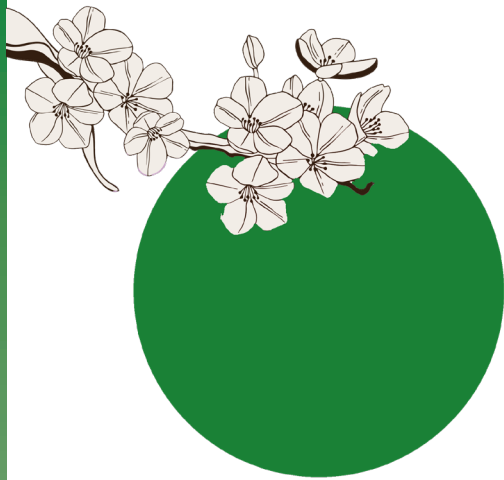
زهرا موسوی
۹۸ مکانیک

تعطیلات شریفی‌ها چگونه می‌گذرد؟

نوروز مبارک! مستقیم برویم سر اصل مطلب؛ تعطیلات خود را چگونه گذراندید؟ فکر کنم تا به حال همه ما متنی با این موضوع نوشته‌ایم. بنابراین دیگر قرار نیست اینجا هم همین را بنویسم، بلکه می‌خواهم بگویم که بقیه، تعطیلاتشان را چگونه می‌گذرانند. امید است عبرت بگیرید و در زندگی تان تغییری ایجاد کنید!

طبیعتاً دانشجویان به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. از آن‌هایی شروع کنیم که هدف والایشان صرفاً پاس کردن دروس است و تمام. این قشر فرهیخته، در ابتدای تعطیلات تقویم را برمی‌دارند و روزهای تعطیل را می‌شمارند. عددی که در انتها به آن می‌رسند، از بقیه اقشار بسیار بیشتر است؛ چون برای این دسته از دانشجویان، هفته قبل از شروع تعطیلات و هفته بعد از آن نیز تعطیل است (البته امیدوارم که بیشتر از این نباشد). **طبیعی است که وقتی شما نزدیک به یک ماه تعطیلات دارید از روز اول به غنی کردن اورتیوم و دوختن سوراخ لایه اوزون نمی‌پردازید!** پس، هفته اول به بطالت محض می‌گذرد. خدای نکرده فکر نکنید که بطالت محض یعنی فیلم دیدن، کوه‌نوردی، کافه‌گردی و «اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد» و این داستان‌ها! قطعاً این‌طور نیست. این‌ها فعالیت‌های کاملاً مفیدی هستند که از هفته دوم باید برایشان برنامه‌ریزی کنیم تا برای جابه‌جا کردن مرزهای علم و دانش در سال جدید، آماده شویم. این دوستان بعد از اینکه کاملاً خیالشان از تجدید قوا راحت شد، به دلایل هایشان سری می‌زنند و خیلی تمیز و مرتب آن‌ها را می‌نویسند تا یادشان نرود. در همین لحظه مبارک، اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ می‌دهد. خانواده تصمیم می‌گیرد که به مسافرت برود! باور کنید این اولین سالی است که چنین اتفاقی می‌افتد. اعضای این خانواده تا سال قبل، اصلاً نمی‌دانستند که چیزی تحت عنوان مسافرت عید وجود دارد! قطعاً توقع ندارید که این دانشجوی نمونه، تنها در خانه بماند. پس راه حل چیست؟ یک چمدان شامل مداد، پاک‌کن، تراش، خودکار حداقل در دوازده رنگ، تعدادی کتاب قطور و ... به وسایل سفر اضافه می‌شود؛ چمدانی که تنها وظیفه‌اش، پرکردن صندوق عقب ماشین است و لاغیر!

این دانشجویی که همچنان با خودش فکر می‌کند که دیگر از امسال جدی است، بعد از بازگشت از سفر، حداقل یک روز را به استراحت می‌گذراند و پس از آن، دیگر واقعاً شروع می‌کند. این بار نگاهی گذرا به میان‌ترم‌های بعد از عید نیز می‌اندازد تا برای آن‌ها هم آماده شود. قطعاً برای جابه‌جا کردن مرزهای علم، نباید خبری از کپ‌زدن و حتی سؤال پرسیدن از دیگران باشد. بنابراین، مرحله قبل از انجام تکالیف، درس خواندن است. این مرحله شروع می‌شود؛ اما خیلی سریع به پایان می‌رسد. چرا؟ چون طبیعتاً وقت‌گیر است و یک نخبه مملکت، بدون عبور از این مرحله هم می‌تواند تمرین‌هایش را تحویل دهد. پس تلاش برای انجام تکالیف آغاز می‌شود، اما آن هم سریعاً تمام می‌شود. خلاصه که سرتان را درد نیاورم. تعطیلات عید این دسته از دانشجویان، کمافی‌السابق، با کپ‌زدن و آپلود تکالیف در ثانیه‌های آخر، به پایان می‌رسد.



کمی هم به استادها بپردازیم. این موجودات پیچیده هم به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. دسته اول، آنهایی هستند که در تعطیلات نیز، دغدغه این را دارند که وقت دانشجویان به بطالت (محض یا غیر محض) نگذرد. بنابراین عمده وقتشان را با تعریف کردن پروژه و تمرین و کلاس‌های جبرانی گاه و بی‌گاه سپری می‌کنند. همان‌طور که احتمالاً مستحضر هستید، دانشجو جماعت، هیچ‌گاه قدر این استادان را ندانسته، نمی‌داند و نخواهد دانست. پس دسته دیگری از استادان به‌وجود می‌آیند که قدرانی برایشان مهم است؛ آن‌ها همان‌هایی هستند که قبل از عید، تمرین و پروژه را تعریف می‌کنند و ددلاینش را هم دقیقاً می‌گذارند برای سیزده فروردین. توجه کردید؟ شما در ایام عید هیچ تکلیفی ندارید. پس لطفاً قدر این استادها را بدانید! خب حالا این اساتید گران‌قدر، خودشان در تعطیلات چه کاری انجام می‌دهند؟ می‌روند مسافرت یا شاید هم دید و بازدید. آن وسط هم دو یا سه تا ایمیل جواب می‌دهند. واقعا چه توقعی داشتید؟ حل مشکلات کشور و انجام پروژه‌های صنعتی و رسیدگی به امور دانشجویان؟ نمی‌دانم. اطلاعاتی ندارم!

دوستان اشاره می‌کنند که دیگر عبرت گرفتن کافی است. بروید لیست ددلاین‌ها و میان‌ترم‌هایتان را نگاه کنید؛ چرا که تعطیلات شما هر چقدر هم که طولانی باشد، بالاخره تمام می‌شود!

برویم سراغ دسته دوم، یعنی رنک‌ها. تعطیلات این دوستان را می‌توان سیزده روز است. اشتباه نکنید! قطعاً کلاس‌ها تا ۲۹ اسفند تشکیل نمی‌شوند؛ اما این عزیزان، به این سادگی‌ها به خودشان اجازه ورود به تعطیلات را نمی‌دهند و تا لحظه تحویل سال، به همان شیوه طول ترم زندگی می‌کنند. قطعاً می‌دانید که وقت رنک‌ها بسیار برایشان ارزشمند است. اگر توجه کنید، متوجه می‌شوید که آن‌ها نیازی به شمارش روزهای تعطیل ندارند. به این می‌گویند صرفه‌جویی در زمان! رنک‌ها به سرعت وارد مرحله برنامه‌ریزی می‌شوند؛ ولی برای برنامه‌ریزی، به ددلاین‌هایشان نگاه نمی‌کنند؛ چون همه آن‌ها را قبلاً تحویل داده‌اند. فقط می‌ماند میان‌ترم‌های بعد از عید که آن‌ها هم همه مباحثشان تکراری هستند. البته لازم به ذکر است که یک رنک، هیچ‌گاه حس نمی‌کند که می‌حس می‌کند که اندازه کافی خوانده است. **پنجاه روز اول فروردین، برای خواندن مطالب برای پار صدم، مرور تمرین‌ها، حل امتحانات سال‌های قبل و استراحت از معاینه که مثل اینچای به آن‌ها قد نمی‌دهد، برنامه‌ریزی می‌کنند.** خانواده رنک‌ها به مسافرت نمی‌روند؟ احتمالاً می‌روند؛ اما چمدان حاوی ملزومات درس‌خواندن، حتی تاریکی صندوق عقب را هم به خود نمی‌بینند و همواره در دسترس است!

شنیده‌ها حاکی از آن است که رنک‌ها در عید برای مرور درس‌هایی که از ترم یک تا به آن لحظه خوانده‌اند و به‌علاوه، پیش‌خوانی دروس ترم‌های بعد نیز، برنامه‌ریزی می‌کنند. البته امیدوارم که این مطلب، کذب محض باشد! به هر حال، زیاده‌عرضی نیست. زندگی این افراد دوست‌داشتنی، همین‌قدر پرهیجان و غیر قابل پیش‌بینی است. خدا به همراهشان!

آخرین دسته، آن‌هایی هستند که زندگی معمولی‌تری نسبت به دو دسته مذکور دارند که به آن‌ها نمی‌پردازیم. همه‌چیز را که من نباید بگویم؛ در سال جدید، سعی کنید تفکر را سرلوحه زندگی خویش قرار دهید!

البته صبر کنید. قشری از دانشجویان نیز وجود دارند که به آن‌ها فعال دانشجویی می‌گویند. این افراد سخت‌کوش و پرتلاش، تعطیلات عید را فرصتی طلایی برای افزایش جلسات خود می‌بینند و بیشتر وقت خود را در وی‌کلس می‌گذرانند. جلسات ۵+۱ هم بالاخره تمام شد، ولی جلسات این عزیزان، همواره جاودانه است. می‌پرسید پس ددلاین‌ها چه می‌شوند؟ هیچ‌کس نمی‌داند، حتی خودشان! این دوستان را به حال خودشان بگذارید و برایشان آرزوی موفقیت کنید. به همین سادگی!



آنچه خوبان همه دارند، ما نداریم!



محمدحسین عبداللہی
۱۴۰۰ دریا

نقدی بر نبود فضای سبز در اطراف دانشکده

«نرم‌نرمک می‌رسد اینک بهار»؛ نرم‌نرمک می‌رسد و جای جای دانشگاه زیبا و دل‌انگیز می‌شود. نرم‌نرمک می‌رسد و بساط عکس‌های پروفایلی در نقاط مختلف دانشگاه به‌راه می‌شود!

شریف، جدای از همه بدی‌ها، زشتی‌ها و سختی‌هایش، خوبی‌هایی هم دارد. نمی‌دانم تا به حال چقدر به فضای سبز آن توجه کرده‌اید؛ ولی برای من از همان روزهای اول (که البته مجازی بود) این فضای سبز بسیار جذاب بود. کافی است که دو ماه بگذرد و درختان سرمازده پی‌جان که بعضاً همین الان هم شکوفه زده‌اند، کاملاً سبز و پربار شوند تا بهتر حرفم را متوجه شوید.

تصور کنید فردای یک روز بارانی به دانشگاه می‌آیید. از همان در اصلی واقع در خیابان آزادی وارد می‌شوید و از خیابان روبه‌رو و از بین درخت‌ها به سمت شمال دانشگاه می‌روید. عطر چمن‌های خیس پس از باران روز قبل و صدای گنجشک‌ها را از میان درختان اطراف تصور کنید.



بالتر می‌آیید و کمی بعد از دانشکده جدید هواضا وارد فضای سبز سمت چپ می‌شوید. اگر اندکی در همان جهت ادامه دهید، به فضای بین دانشکده فیزیک و برق می‌رسید. آنجا دقیقاً یک قطعه از بهشت در دانشگاه ماست. باز هم ادامه می‌دهید. وقتی باغ دلگشا را رد کردید، به خیابان محاسبات می‌رسید.

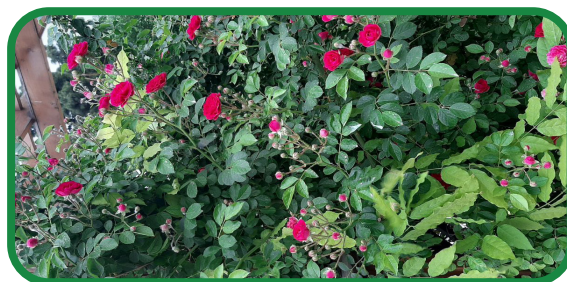
سپس در این خیابان حدود صد قدم به سمت بالا می‌روید و می‌رسید به دانشکده کامپیوتر. فضای سبز جلوی کامپیوتر یا همان مکث را تصور کنید؛ آن حوض وسط که با نسیم ملایم بهاری به لرزه درآمده، رقص شاخه‌های بید مجنون اطراف در باد.



باز هم می‌روید بالاتر. به سلف که می‌رسید، دو انتخاب دارید. می‌توانید از میان درختان جلوی دانشکده م.شیمی به مسیرتان ادامه دهید یا با من بیایید تا از سمت ابن سینا برویم و دویدن گربه‌ها از بین شمشادها و آب‌خوردن گنجشک‌ها از حوض وسط محوطه را تماشا کنیم. فقط مواظب باشید که پایتان توی چاله‌ها نرود. دیروز باران آمده و ممکن است خیس شوید!

بی‌آب‌وعلف‌بودن پردیس شمالی هر دلیلی داشته باشد، قطعاً آن دلیل، کمبود فضا نیست. **فضای بین دانشکده‌های مکانیک و انرژی قطعاً قابلیت احداث فضای سبزی بزرگ‌تر از فضای سبز بین سلف و این سینا را دارد.** خیابان روبه‌روی ساختمان آموزش نیز می‌تواند با درخت‌کاری، یکی از زیباترین خیابان‌های دانشگاه شود. حتی محوطه پشت دانشکده مکانیک هم با توجه به ابعادش به‌نظر نمی‌آید که قابلیت ساخت ساختمان جدیدی را داشته باشد و احتمالاً بهترین کار، تبدیل کردن آن به یک فضای سرسبز و زیباست. تصور محاصره‌شدن دانشکده میان درختان بلند و تنومند، می‌تواند هرکسی را به مکانیک علاقه‌مند کند!

پردیس شمالی و دانشکده مکانیک کمبودهای کمی ندارند و خیلی راه مانده تا در حد بخشی از دانشگاه شریف به‌حساب بیایند؛ اما کاش آن‌هایی که کارشان پیگیری این موضوع است، آن را پیگیری کنند و مسئولان دانشگاه، تصمیم بگیرند که دانشکده از این فضای خشک و بی‌روح دریابد. شاید آن موقع، تغییر فصول، تأثیری هم روی ما داشته باشد؛ و گرنه، بهار و پاییزمان خیلی فرقی با یکدیگر ندارند!



همین‌طور راهتان را ادامه می‌دهید و به سالن جباری می‌رسید. سمت چپتان را نگاه کنید؛ زیباست، نه؟ فضای سبزی که از دو طرف به سالن جباری و دانشکده قدیم مکانیک محدود شده و از دو طرف دیگر، به کتابخانه مرکزی و دانشکده ریاضی. جای‌جای این محوطه می‌تواند محل نشستن و لذت‌بردن از هوای دلپذیر بهاری باشد. می‌دانم که ممکن است وسوسه شوید که بروید و چرخی در آنجا بزنید؛ اما گذر کنید. مقصد ما دانشکده مکانیک است. وقتی در شمالی دانشگاه یا همان در انرژی را رد می‌کنید، متوجه شباهت بسیار زیاد این در و رشته‌کوه‌های البرز می‌شوید. یک طرف فضایی کاملاً سرسبز و یک طرف، بیابان برهوت!

بیده‌های مجنون و حوض‌های پرآب و چمن‌های پرطراوت و خلاصه هر آنچه که خوبان همه دارند، به ما ربطی ندارد! ما در دانشکده مکانیک، واقع در بیابان‌های خشک و بی‌آب‌وعلف پردیس شمالی زندگی می‌کنیم. نهایتاً می‌توانیم با آن تک‌درخت بین دانشکده و ساختمان آموزش عکس بگیریم و استوری کنیم!



۱۴۰۱ چگونه گذشت؟



سهیل حکمت
۹۹ مکانیک

⚡ استاد ملی #کرونا، اعلام کرد کلیه مدارس و دانشگاه‌ها باید از ۱۴ فروردین، حضوری باشند و مقاماتی که از این دستور سرپیچی کنند، به هیئت تخلفات اداری معرفی می‌شوند.

▪ با این حال، دانشگاه‌های شریف و علامه طباطبائی اعلام کرده‌اند، این مصوبه را اجرایی نمی‌کنند.



۲۲ آوریل ۲۰۲۰

انصافا دیگه لول تدریس مجازی و امتحان حضوری تو #شریف قفل بود.

نمیشه که مجازی بگید دو دوتا چهارتا، بعد بیاید حضوری انتگرال سه بعدی امتحان بگیرید...

۱۰ نقل قول ۳۸۴۱ پستند

به لطف ضیافت افطاری دکتر غلامی، ساعت ۱۲ شب دانشگاه شریف هم unlock

پ.ن: جای دوستان خالی



یکی از پیشرفت‌هایی که تو قرن جدید میسر کردیم ارتقا "به شما نهار دادن؟" به "به شما خوابگاه دادن؟"

۳۱۰۱۲:۲۶ مارس ۲۲

۱۲ پستند

شهید آحسان قدیمی رتبه ۱۱۰ کنکور ۹۲
۲۷ ساله مهندس مکانیک دانشگاه صنعتی شریف که در پارچین به شهادت رسیدند.



۱۸:۵۰ - ۲۰ - ۲۲ اوت

۹۲ بازتوییت ۴ نقل قول ۱۲۵۸۱ پستند

جلی به دانشگاه صنعتی شریف رفت / شعار بازگشت فردوسی‌پور

رئیس سازمان صداوسیما در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف حاضر شد بازگرداندن چهره‌های محبوب تلویزیون، به ویژه عادل فردوسی‌پور تقریباً خواسته‌ی مشترک تمام تشکلات بود



جلی به دانشگاه صنعتی شریف رفت / شعار بازگشت فردوسی‌پور

بان صداوسیما امروز سه شنبه، سوم خردادماه، در جمع دانشجویان شریف حاضر شد تا با آنها دیدار و گفت‌وگو کند. بازگرداندن چهره‌های محبوب تلویزیون، به ویژه عادل فردوسی‌پور مقابله‌ی دوربین‌های خواسته‌ی مشترک تمام تشکلات بود که در دیدار به رئیس‌کده و همراهی و شعار دانشجویان حاضر را به همراه داشت.

۲۲

از حجم خفقان و خشمی که جلوی دانشگاه شریف امشب دیدم تا آخر عمرم حرف دارم برای تعریف کردن...

دانشگاه_شریف#

با ذوق به مامانم گفتم سلف دانشگاه شریف مختلط شد
با تعجب گفت مگه سلف تا الان جدا بوده؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

به آتش کشیده شدن دفتر بسیج دانشجویی #دانشگاه_شریف

نیمه شب گذشته، دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه شریف واقع در همکف ساختمان ابن‌سینا توسط عوامل ناشناس آتش گرفته و کاملاً در آتش سوخت



۱۰۰۱۱:۰۴ دسامبر ۲۲

۱۶ بازتوییت ۳۵ پستند

جواب جدول شماره قبل

R	O	L	L		S	I	L	O
E	Y	E	O	P	E	N	E	R
E	V	A	L	U	A	T	E	D
F	E	D		G	R	R		
S	Y	S				I	V	S
		T	E	D		C	O	P
C	H	O	C	O	T	A	C	O
N	O	R	T	H	S	T	A	R
N	E	Y	O		P	E	L	T

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک (محور)

مدیر مسئول: زهرا موسوی

سردبیر: علیرضا فکوریان

صفحه آرا: محمدحسین عبداللہی

طراح جلد: کیمیا طاهریان

ویراستاران: عاطفه سادات جمالی زاده، کیمیا طاهریان، مریم کریمی جعفری، زهرا موسوی

همکاران این شماره: عاطفه سادات جمالی زاده، معراج حسن زاده،

سهیل حکمت، کیمیا طاهریان، محمدحسین عبداللہی، علیرضا

فکوریان، یلدا کریمی، مریم کریمی جعفری، پرنیان کیانی، سارا

مسلمی، زهرا موسوی، مهدی یوسفیان



با ما در تماس باشید: mehvar.mech.sharif.ir



@mehvargroup



@khamesh_mehvar



mehvargroup



khamesh_mehvar